

مصاحبه: کریس هجز با فرانچسکا البانیز

منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ «2025-06-30».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

گرسنگی و سودجویی در غزه: گفتگو با فرانچسکا آلبانیز

*Starvation and Profiteering in Gaza: Talking
with Francesca Albanese*



منبع عکس: سیده امینه تراست CC BY 2.0 –

چیز زیادی نمی‌توان در مورد سطوح غیرقابل وصف ویرانی نسل‌کشی در غزه گفت. فرانچسکا آلبانیزی، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، در حال ثبت وقایع نسل‌کشی بوده و در این قسمت از برنامه «گزارش کریس هجز» به مجری برنامه کریس هجز می‌پیوندد تا وضعیت فعلی غزه، از جمله بخش‌هایی از گزارش آتی خود در مورد سودجویان نسل‌کشی، را روشن کند.

محاصره اسرائیل علیه فلسطینیان، مردم را در گرسنگی رها کرده است و **آلبانیزی** سایر کشورها را به خاطر عدم اقدام و تکمیل تعهدات خود تحت قوانین بین‌المللی مورد انتقاد قرار می‌دهد. او توضیح می‌دهد: «[کشورها] موظفند به اسرائیل کمک نکنند، با آن تجارت نکنند، سلاح نفرستند، سلاح نخرند، فناوری نظامی ارائه ندهند، فناوری نظامی نخرند. این درخواست من از شما، عمل خیرخواهانه نیست. این وظیفه شماست.»

آلبانیز محاصره غزه و اسرائیل را با یک اردوگاه کار اجباری مقایسه می‌کند و می‌گوید که این وضعیت ناپایدار است، اما به جهان اجازه می‌دهد تا شاهد چگونگی عملکرد یک نهاد استعماری شهرک نشین غربی باشد.

آلبانیز به **هجز** می‌گوید: «یک آگاهی جهانی نسبت به چیزی وجود دارد که مدت‌هاست حق ویژه، حق ویژه دردناک اکثریت جهانی، جنوب جهانی، بوده است، به معنای آگاهی از درد و زخم‌های استعمار.»

آلبانیز در گزارش آینده خود، دقیقاً شرح خواهد داد که چگونه فلسطین توسط سیستم سرمایه‌داری جهانی مورد سوءاستفاده قرار گرفته است و نقش برخی از شرکت‌ها را در نسل‌کشی برجسته خواهد کرد. او می‌گوید: «نهاد های شرکتی، از جمله کشورهای دوست فلسطین، وجود دارند که دهه‌هاست از اقتصاد اشغال، تجارت کرده‌اند و سود برده‌اند، زیرا اسرائیل همیشه از زمین و منابع فلسطینیان و زندگی فلسطینیان سوءاستفاده کرده است.»

«این سودها ادامه یافته و حتی که افزایش نیز یافته است، زیر اقتصاد اشغال به اقتصادی نسل‌کشی تبدیل شده است.»

وقتی تاریخ نسل‌کشی در غزه نوشته شود، یکی از شجاع‌ترین و صریح‌ترین قهرمانان عدالت و پای بندی به قوانین بین‌المللی، **فرانچسکا آلبانیز**، گزارشگر ویژه حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی، خواهد بود. **آلبانیز**، یک محقق حقوقی ایتالیایی، از سال ۲۰۲۲ سمت گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی را بر عهده داشته است. دفتر او وظیفه نظارت و گزارش «نقض حقوق بشر» را که اسرائیل علیه فلسطینیان در کرانه باختری و غزه مرتکب می‌شود، بر عهده دارد.

آلبانیز، که تهدید به مرگ می‌شود و کمپین‌های بدنام‌سازی شده‌ای را که توسط اسرائیل و متحدانش هدایت می‌شود، تحمل می‌کند، شجاعانه در تلاش است تا کسانی را که از نسل‌کشی حمایت و پشتیبانی می‌کنند، پاسخگو نگه دارد. او آنچه را که «فساد اخلاقی و سیاسی جهان» برای نسل‌کشی می‌نامد، محکوم می‌کند. دفتر او گزارش‌های مفصلی را منتشر کرده است که جنایات جنگی مرتکب شده توسط اسرائیل در غزه و کرانه باختری را مستند می‌کند، که یکی از آنها، «نسل‌کشی به مثابه محو استعماری»، من به عنوان ضمیمه در آخرین کتابم «نسل‌کشی از پیش اعلام شده» تجدید چاپ کرده‌ام. او در حال کار

بر روی گزارش جدیدی است که بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های فناوری و دانشگاه‌هایی را که به نقض قوانین بین‌المللی، حقوق بشر و جنایات جنگی اسرائیل کمک و تشویق می‌کنند، افشا می‌کند. او به سازمان‌های خصوصی اطلاع داده است که آنها به دلیل کمک به اسرائیل در انجام «نسل‌کشی» در غزه «از نظر کیفری مسئول» هستند. او اعلام کرد که اگر، همانطور که گزارش شده است، **دیوید کامرون**، وزیر امور خارجه سابق بریتانیا، تهدید کرده باشد که در صورت صدور حکم بازداشت برای بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل و **یوآو گالانت**، وزیر دفاع، دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) را به قطع بودجه و خروج از آن تهدید کند، کامرون و **ریشی سوناک**، نخست وزیران سابق بریتانیا، می‌توانند تحت قانون رم به جرم جنایی متهم شوند. قانون رم کسانی را که به دنبال جلوگیری از پیگرد قانونی جنایات جنگی هستند، مجرم می‌شناسد. او از مقامات ارشد اتحادیه اروپا خواسته است که به دلیل حمایت از نسل‌کشی با اتهامات همدستی یا جنایات جنگی روبرو شوند و گفته است که اقدامات آنها را نمی‌توان با مصونیت از مجازات روبرو کرد. او از مدافعان ناوگان مادلین بود که به دنبال شکستن محاصره غزه و رساندن کمک‌های بشردوستانه بود و نوشت که قایقی که توسط اسرائیل توقیف شد، نه تنها حامل تدارکات، بلکه حامل پیا می از انسا نیت بود.

فرانچسکا آلبانیز، برای بحث در مورد نسل‌کشی در غزه و عدم مداخله یا پایبندی دولت‌های غربی به قوانین بین‌المللی، به من ملحق شده است.

بیا بید فقط توضیح دهیم که در غزه در چه وضعیتی هستیم. اوضاع بسیار غم‌انگیز است. نمی‌توانیم آن را کتمان کنیم، به خصوص از دوم مارس.

فرانچسکا آلبانیز بله، **کریس**. اول از همه، از اینکه دعوت‌م را پذیرفتید متشکرم. خیلی خوشحالم. ببینید، وضعیت غزه آنقدر وخیم و وحشتناک شده که واقعاً دیگر کلماتی برای توصیف آن ندارم. یاد می‌آید وقتی اولین گزارش‌ها در مورد موارد گرسنگی را دریافت کردم، سال گذشته بود، عمدتاً در شمال غزه، که اتفاقاً درک ما از آنچه در غزه می‌گذرد را کاملاً قطع کرده است.

به یک معنا، بدبختی که می‌بینیم در جنوب غزه است. شمال کاملاً مبهم است. اما وقتی اولین گزارش‌ها در مورد گرسنگی را دریافت کردم، به یاد دارم که مردم غزه می‌گفتند ما در حال تبدیل شدن به هیولا هستیم.

و این چیزی است که بیشتر و بیشتر از مردم می‌شنوم. گرسنگی آنقدر زیاد، آنقدر گسترده و آنقدر عمیق است که مردم را به مرحله‌ای از پیشا انسانیت تبدیل می‌کند و این اتفاقی است که برای افرادی که این وحشیگری را تجربه می‌کنند، می‌افتد. آنها مجبور

می‌شوند، به فضایی که پیش از تمدن وجود داشته، رانده می‌شوند و دوباره، با این فکر که این استراتژیک است، این عمدی از سوی اسرائیل است، این لکه ننگی برای همه ماست.

چطور می‌توانیم اجازه دهیم این اتفاق بیفتد؟ چرا کشورهای اروپایی، چرا کشورهای عربی هنوز نیروی دریایی خود را برای شکستن محاصره نفرستاده‌اند؟ باید انجام شود. این یک وظیفه است، این یک عمل خیریه نیست. آنها باید محاصره را بشکنند. و می‌دانید، خیلی دیر شده است؟ این وضعیت غزه است. ویرانگر است.

کریس هجز خوب، این نوع اقدام ناوگان با گرتا تونبرگ است، البته آنها قرار نبود از آنجا عبور کنند، اما به نوعی یک عمل شرم آور، یک عمل وجدانی، مطمئناً یک عمل شجاعانه بود. صدای شما از زمان شروع نسل‌کشی تزلزل‌ناپذیر بوده است. و در عین حال، فکر می‌کنم بسیاری از ما که علیه نسل‌کشی صحبت می‌کنیم باید بپذیریم که نتوانسته‌ایم یک جان را نجات دهیم و با این حال باید به هر حال به صحبت کردن ادامه دهیم.

فرانچسکا آلبانیز

بله، ببینید، من اغلب از خودم می‌پرسم که این برای چیست؟ چون، دوباره، به نوعی احساس بی‌قراری می‌کنم. من هرگز از صحبت کردن در مورد غزه، کرانه باختری، فلسطینی‌ها دست نمی‌کشم. چون فکر می‌کنم من هم مثل خیلی‌ها، الان زخمی را با خود حمل می‌کنم. این چیزی است که هرگز نمی‌خواستم دوباره اتفاق بیفتد.

من هم از نسلی هستم که نسل‌کشی در رواندا را دیدم، که در مورد نسل‌کشی در رواندا خواندم. من خاطرات زنده‌ای از نسل‌کشی در بوسنی و هرزگوین دارم و دیدن نسل‌کشی فلسطینی‌ها که به صورت آهسته اتفاق می‌افتد و وقایع‌نگار این نسل‌کشی بودن، تا حدودی مرا به طور جبران‌ناپذیری زخمی کرده است، اما اشکالی ندارد.

تنها راه التیام من این است که مطمئن شوم مردم بیدار می‌شوند و متوجه می‌شوند که این [نسل‌کشی] اثر انگشت همه ما را دارد. و وقتی این را می‌گوییم، به صورت قیدی از آن استفاده نمی‌کنم، واقعی است. چون وقتی سودهایی را می‌بینید که شرکت‌های ثبت شده در کشورهای غربی و دیگران از نسل‌کشی فلسطینی‌ها به دست می‌آورند، می‌بینید، منظورم این است که امیدتان را به بشریت برای همیشه از دست می‌دهید. و درست است که ما نتوانسته‌ایم جان انسان‌ها را نجات دهیم، اما نمی‌دانیم. **کریس**، در واقع ما نمی‌دانیم، چون من معتقدم اگر دست اسرائیل باز گذاشته می‌شد، غزه را از فلسطینی‌ها پاک می‌کرد، در حالی که در واقع با محکوم کردن آنچه اسرائیل انجام می‌دهد، ما در تلاشیم تا مطمئن شویم که فلسطین از نقشه‌ها ناپدید نمی‌شود.

چون تا حدودی در درونم این حس را دارم که فداکاری فلسطینی‌ها در غزه ادامه خواهد داشت، ادامه خواهد داشت، واقعاً ادامه خواهد داشت مگر اینکه تحریم تسلیحاتی وجود

داشته باشد و مگر اینکه محاصره شکسته شود، منظورم این است که محاصره شکسته شود و این بدون اقدامات قهری نمی‌تواند اتفاق بیفتد. تنها راه محافظت از اسرائیل، برای اطمینان از اینکه اسرائیل محافظت می‌شود، متوقف کردن اسرائیل است. اسرائیل برای فلسطینی‌ها، برای منطقه، برای بسیاری از ما و برای خودش و شهروندانش مضر است. این چیزی است که اسرائیلی‌ها باید درک کنند. هیچ کدام از ما که برای حقوق بشر و عدالت کار می‌کنیم، چیزی نداریم... شخصاً، من برای خود اسرائیلی‌ها درد زیادی دارم، زیرا فکر می‌کنم آنها باید تا حدی آسیب دیده باشند که انسانیت خود را از دست داده‌اند. و من فقط می‌توانم به نوعی التیام عظیم برای فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها فکر کنم.

اما باز هم، نمی‌دانم، مطمئناً ما جان انسان‌ها را نجات نداده‌ایم، اما در نشان دادن چهره واقعی آپارتاید اسرائیل نقش داشته‌ایم.

کریس هجز

وقتی در مورد اقدامات قهری صحبت می‌کنید، من خروج نیروهای عراقی از شمال عراق را پوشش دادم، زمانی که آنها در حال انجام یک نسل‌کشی علیه کردها بودند. نیروهای ناتو منطقه پرواز ممنوع ایجاد کردند. نیروهای عراقی مجبور شدند آنچه را که برای کردها اتفاق می‌افتاد، عقب‌نشینی کنند. در نهایت، این با آنچه برای فلسطینی‌ها در غزه اتفاق می‌افتد، قابل مقایسه نیست. اما در آن لحظه مشخص بود که فقط اقدامات قهری کردها را نجات می‌دهد. و شما، البته، به درستی اشاره می‌کنید که دقیقاً اکنون در همان جایی هستیم که ما با فلسطینی‌ها هستیم. اینکه بدون اقدامات قهری، و آن هم باید از خارج تحمیل شود، کارزار نسل‌کشی و احتمالاً آوارگی اسرائیل متوقف نخواهد شد.

فرانچسکا آلبانیز

کاملاً. و می‌دانید چیزی که من را شوکه می‌کند این است که وقتی با کشورهای عضو صحبت می‌کنم، حتی با روشنفکرترین آنها، به اصطلاح، در جهان، منظورم در غرب است، که من آنها را اقلیت جهانی می‌نامم، با توجه به بی‌اهمیتی سرزمینی ما در این جهان. اما حتی وقتی با کشورهای عضو صحبت می‌کنید که به نظر می‌رسد موضعی روشنفکرانه و حقوق بشری در مورد فلسطین دارند. وقتی به آنها توصیه‌هایم را می‌دهم، می‌گویند، اوه، اما واقعاً انتظار دارید که ما اسرائیل را تحریم کنیم؟

خوب، شما یک کشور هستید، تحریم به شما مربوط نیست. شما موظفید که به اسرائیل کمک نکنید، کمک نکنید، با آن تجارت نکنید، سلاح نفرستید، سلاح نخرید، فناوری نظامی ارائه ندهید، فناوری نظامی نخرید. این چیزی نیست که من از شما می‌خواهم. این وظیفه شماست.

و این نوع بی‌تفاوتی را کشورهای عضو دارند، حتی آنها بی که به نظر می‌رسد اصول‌گراترین کشورها در قبال بی‌احترامی به [قوانین] بین‌المللی هستند، زیرا این کاری است که آنها با بی‌تفاوتی زیادی انجام می‌دهند، آنها قوانین بین‌المللی را کاملاً نقض می‌کنند. و تنها چیزی که به ذهنشان می‌رسد این است که آیا فکر می‌کنید واقعاً قرار است اسرائیل رامنزوی کنیم؟ بله، بله، منظورم این است که این واقعیت که آنها واقعاً با این فکر دست و پنجه نرم میکنند، معیاری است که نشان می‌دهد چقدر از راحل این سوال دور هستیم.

گریس هجز

نظر شما چیست، منظورم گرسنگی است و بیش از نیم میلیون فلسطینی اکنون در آستانه گرسنگی هستند. و بعد کل مسئله آب مطرح است. آب تمیز وجود ندارد. و البته، تجهیزات پزشکی یا کمک‌های بشردوستانه یا هر چیز دیگری، ۹۰٪ فلسطینی‌ها یا در چادر یا در فضای باز زندگی می‌کنند. این به کجا می‌رود؟

آنها فلسطینی‌ها را مانند موش در جنوب با این‌ها به دام می‌اندازند... و هیچ کس فکر نمی‌کند که مراکز کمک‌رسانی یا مقدار غذا، مقدار ناچیز غذا چیزی بیش از طعمه‌ای برای چپاندن فلسطینی‌ها در محوطه‌های محافظت‌شده در جنوب است. و البته آنها در یک روز ده‌ها فلسطینی را که نامیدانه سعی در به دست آوردن چیزی برای خوردن دارند، تیرباران می‌کنند. آیا آنها قصد دارند آنها را به سینا هل دهند؟ آیا شما عقل دارید یا شاید اسرائیل نمی‌داند، اما آیا شما عقل دارید که این ماجرا به کجا خواهد رسید؟

فرانچسکا آلبانیزی

من عقل دقیقی ندارم جز اینکه می‌دانم اسرائیل با هر راحلی که فلسطینی‌ها را فعلاً از نوار غزه و بعداً از کرانه باختری و احتمالاً از اسرائیل خارج کند، مشکلی نخواهد داشت. اینها سه مرحله از پاکسازی قومی برنامهریزی‌شده فلسطین تاریخی هستند، زیرا مخاطبان شما هرگز فراموش نخواهند کرد که اسرائیل کشوری است که در داخل فلسطین ایجاد شده است.

بنابراین آنچه ما در مورد نوار غزه، کرانه باختری و اورشلیم شرقی صحبت می‌کنیم، قطعات کوچکی از زمین است که باقی مانده است. و حتی در آنجا، فلسطینی‌ها آزاد نیستند که از حق تعیین سرنوشت، مانند وجود به عنوان یک ملت، بهره مند شوند. اسرائیل به دنبال این است. اسرائیل فلسطینی‌ها را سر راه خود نمی‌خواهد. این پیروزی واقعی است. چون وقتی ۸۰ درصد جمعیت از دولت در حفظ این سطح از خشونت علیه فلسطینی‌ها، به ویژه آنهایی که در غزه هستند و همین الان دارند از گرسنگی می‌میرند و چیزی جز آبرو و چیزهای بسیار کمی که در زندگی‌شان باقی مانده، برایشان باقی نمانده، حمایت می‌کنند. تنها پیروزی برای این دولت که نماینده بخش بزرگی از جامعه اسرائیل است، خلاص شدن از شر فلسطینی‌ها است.

منظورم این است که البته فرقی نمی‌کند سینا باشد یا کنگو، آنها از هر کشوری التماس می‌کنند که فلسطینی‌ها را بپذیرد. و مشکل این است که هیچ کس نمی‌تواند این کار را انجام دهد مگر اینکه مجبور شود، مگر اینکه فلسطینی‌ها درخواست و التماس کنند که نجات یابند. این خیلی بی‌رحمانه است و این چیزی است که اتفاق می‌افتد.

اما فلسطینی‌ها هنوز این کار را نکرده‌اند. ایال وایزمن از معماری قانونی، با مطالعه نسل‌کشی‌های دیگر مانند نسل‌کشی آلمانی‌ها از مردم ناما و هررو در نامیبیا، روش بسیار جالبی دارد و می‌گوید که اسرائیل از این روش برای محدود کردن مردم در مکانی که نمی‌توانند به تنهایی زنده بمانند، استفاده می‌کند.

مثل یک اردوگاه کار اجباری است. مثل این است که کاملاً به دستی وابسته باشی که به تو چیزی می‌دهد، چیزی که به تو می‌دهد اما این پایدار نیست و بقیه چیزها در حال نابودی هستند. غزه به دلیل آسیب‌های زیست‌محیطی، آلودگی و تمام آنچه غزه امروز هست، به حالت قبل بر نمی‌گردد. اما مهم نیست. اگر قرار باشد فلسطینی‌های غزه به جایی نقل مکان کنند، آنجا اسرائیل است

این فرصتی است تا فلسطینی‌ها به سرزمین مادری خود بازگردند. و من درک می‌کنم که این یک شوک بزرگ است، برای اسرائیلی‌ها یک شوک بزرگ است، اما دیر یا زود آنها با این مواجه می‌شوند. آنها مانند بسیاری دیگر، مانند سایر جوامع مهاجرنشین زندگی می‌کنند. متأسفم، شما در زمین دزدیده شده زندگی می‌کنید.

و شما نمی‌توانید، مانند آمریکایی‌هایی که بومی آمریکا نیستند و مانند استرالیایی‌هایی که بومی نیستند، شما در زمین دزدیده شده زندگی می‌کنید. و تنها رستگاری که می‌توانید در این زندگی داشته باشید، اصلاح، درست کردن اشتباهات گذشته است. بنابراین این کاری است که اسرائیلی‌های وظیفه‌شناس باید انجام دهند.

کریس هجز

می‌خواهم در مورد حذف صحبت کنم. اسرائیل فقط در حال حذف فیزیکی فلسطین نیست و البته به دانشگاه‌ها، موزه‌ها و مراکز فرهنگی آن حمله کرده است. از طریق ترورهای هدفمند، طبقه روشنفکر، نویسندگان، شاعران، بیش از ۲۰۰ روزنامه‌نگار و پزشک آن را حذف فیزیکی یا کشته است. و تا چه حد، و می‌خواهم در مورد کمپین‌های سنگینی که توسط آپیک و لابی اسرائیل علیه شما به راه افتاده صحبت کنید، نه تنها، فکر می‌کنم، به این دلیل که شما رک و صریح هستید، بلکه به این دلیل که گزارش‌های شما، پاک کردن آنچه انجام داده‌اند و آنچه اتفاق می‌افتد را برای اسرائیل دشوار می‌کند، کاری که همه قاتلان نسل‌کش به دنبال انجام آن هستند.

فرانچسکا آلبانیزی

من اغلب می‌گویم که حملات علیه من نمادی از جنبه‌های مختلف این مبارزه است. از یک طرف، آنچه برای من اتفاق می‌افتد منحصر به فرد نیست، به این معنا که متهم به طرفداری از حماس، طرفداری از تروریسم، یهودستیزی شده‌ام، بلکه این سلسله دروغ‌هایی است که همه از پاپ گرفته تا دبیرکل تا محققان، فعالان، روزنامه‌نگاران، هر کسی که حداقل نجات را داشته و جرات کرده واقعیت شنیع فلسطین را محکوم کند، مجبور به مواجهه با آن بوده‌اند.

بنابراین آنچه دوباره برای من اتفاق افتاده منحصر به فرد نیست. چیزی که فکر می‌کنم منحصر به فرد است، بی‌وقفه بودن حملات و چگونگی ادامه افزایش آنها به دلیل تسلیم نشدن من است. من معتقدم که هر چه بیشتر من را تهدید کنند، بیشتر می‌گویم بگذارید ببینم چقدر می‌توانم کارم را بهتر انجام دهم، چون موضوع این نیست که... من آنها را سگ‌های پارس کننده می‌نامم.

آنها واقعاً سگ‌های پارس کننده هستند و اهمیتی نمی‌دهند، هدفشان پرت کردن حواس من است و موفق نخواهند شد، چون من آنها را می‌شناسم، آنها را درک می‌کنم، چون اغلب می‌گویم از جایی آمده‌ام که گرفتار مافیا بوده است. می‌دانید در ماه‌های گذشته چه چیزهایی در مورد خودم هم متوجه شده‌ام.

چرا من مانع هستم؟ چرا از آنها نمی‌ترسم؟ چرا هر بار که ما شینم را روشن می‌کنم، می‌ترسم. البته موقعی وجود دارد که در را باز نمی‌کنم و به خدای خودم فکر می‌کنم، چه کسی قرار است پشت در باشد؟ اما به همین دلیل است که زندگی‌ام را به گونه‌ای پر از معنا زندگی می‌کنم. من عاشق خانواده‌ام هستم. من عاشق بچه‌هایم هستم. من عاشق شوهرم هستم. من عاشق دوستانم هستم. من عاشق همکارانم هستم و این چیزی است که برای من ارزشمند است و هر روز و هر روز که موفق می‌شوم به رختخواب بروم و بخوابم، هیچ پشیمانی ندارم زیرا کاری را انجام می‌دهم که همه باید انجام دهند.

بنابراین از یک طرف، اگر من کسی در غزه یا جاهای دیگر فلسطین بودم، اما حتی یکی از اسرائیلی‌های زیادی که دائماً با آنها در تعامل هستم و احساس ناامیدی می‌کنم، از آنچه به نام آنها انجام می‌شود، احساس ویرانی می‌کنم. اگر من یکی از این افراد بودم، دوست داشتم کسی را داشته باشم که آنها را درک کند، به آنها گوش دهد و نقاط را به هم وصل کند. این چیزی است که منتقدان من را به شدت آزار می‌دهد.

این واقعیت که از یک طرف آنها نمی‌توانند مرا ساکت کنند، بلکه برعکس، با هر تلاشی طوفانی علیه آنها به پا می‌شود. فرقی نمی‌کند از کجا آمده‌اند، فرقی نمی‌کند چه کسی هستند، همیشه به حمایت بیشتر از من تبدیل می‌شود. به همین دلیل است که وقتی مردم از

من می‌پرسند، چه احساسی داری که اینقدر مورد نفرت هستی؟ توسط چه کسی؟ توسط این دسته از نوکران و شارلاتان‌هایی که از نسل‌کشی دفاع می‌کنند. چه کسی اهمیت می‌دهد؟ چه کسی اهمیت می‌دهد؟ اما کل دنیا در آشوب است و تا حدودی این امکان را دارم که به حرف من گوش داده شود، که برای من امتیاز بزرگی است. و چون می‌دانم که طبیعت انسان، ببخشید، بله، چقدر می‌تواند گمراه‌کننده باشد.

تکیه‌گاه من همچنان قوانین بین‌المللی است، به بهترین شکلی که می‌توانم آن را تفسیر کنم، زیرا این قوانین جهانی هستند. این در مورد همه ما صدق می‌کند. این برای همه ماست. بنابراین من احکام یا ایدئولوژی خودم را نمی‌آورم. من چیزی را می‌آورم که متعلق به همه ماست. و این چیزی است که منتقدان را آزار می‌دهد. این است که من از استحکام حقایق و قانون استفاده می‌کنم تا به آنها بگویم چه کسانی هستند، آنها را جلوی آینه قرار دهم و اینطور نیست که آنها مرا دوست نداشته باشند، آنها از تصویری که از طریق من از خودشان، نسل‌کش یا حامی نسل‌کشی، می‌بینند، بدشان می‌آید.

کریس هجز

این موضوع چقدر جامعه جهانی را تغییر داده است؟ و من به طور خاص، البته، به درون جنوب جهانی فکر می‌کنم، که هولوکاست خود را متحمل شدند. شما به هررو و ناماکوا اشاره کردید، اما ارمنی‌ها، کنیایی‌ها تحت استعمار بریتانیا، هندی‌ها، به ویژه قحطی بنگال در سال ۱۹۴۳، به عنوان مثال، سه میلیون هندی جان باختند.

و این هولوکاست‌ها توسط عاملان آنها به رسمیت شناخته نمی‌شوند. امه سزر در کتاب «گفت‌وگو در مورد استعمار» می‌گوید دلیل اینکه هولوکاست انجام شده توسط نازی‌ها علیه یهودیان طنین‌انداز شد، این بود که تاکتیک‌هایی که به کار گرفته شد، و این کلمات اوست، علیه کول‌ها در هند و سیاه‌پوستان در آفریقا و الجزایری‌ها توسط فرانسوی‌ها در الجزایر، فقط علیه سایر اروپایی‌های سفیدپوست به کار گرفته شد.

و البته این جنوب جهانی به رهبری آفریقای جنوبی بوده است که برای تلاش و تحمیل حاکمیت قانون بر اسرائیل در مورد نسل‌کشی، ایستادگی کرده است. اما آیا این در حال تغییر شکل جامعه جهانی است؟

فرانچسکا آلبانیز

من فکر می‌کنم همینطور است. فکر می‌کنم همینطور است. نه به آن سرعتی که پایان نسل‌کشی لازم دارد، اما هست. بنا براین روندهای مختلفی را می‌بینم. اول از همه، همانطور که شما می‌گویید، نوعی اتحاد پیرامون برخی چیزهای اساسی وجود دارد. من هرگز نشنیده‌ام که این همه آدم به زبان حقوق بین‌الملل صحبت کنند.

جدی می‌گویم، منظورم این است که به عنوان یک وکیل، به عنوان یک وکیل حقوق بشر، اگر به من فرصتی داده شود که برای لحظه‌ای به نسل‌کشی نگاه نکنم، احساس می‌کنم که مأموریت حقوق بشر تا حدودی انجام شده است، زیرا مردم آگاه هستند و از طریق یک لنز مشترک آگاه هستند که به بسیاری، واقعاً، از آفریقا گرفته تا آسیا، به اقلیت جهانی و جاهای دیگر، واقعاً، اجازه می‌دهد تا به فلسطین نگاه کنند و آن را تشخیص دهند.

برخی مشترکات وجود دارد. مردم به زبان حقوق بشر صحبت می‌کنند. فوق‌العاده است، درست است؟ جنبه دیگری از بیداری نیز وجود دارد و آن این است که هرگز قبلاً نشنیده‌ام که این همه آدم نقاط بین گذشته و حال و گذشته استعماری و حال را به هم وصل کنند. نمی‌دانم با من موافق هستید یا نه، اما حداقل احساس می‌کنم که یک آگاهی جهانی نسبت به چیزی وجود دارد که مدت‌هاست حق ویژه، حق ویژه دردناک اکثریت جهانی، جنوب جهانی، بوده است، به معنای آگاهی از درد و زخم‌های استعمار.

اسرائیل به عنوان یک مرکز استعماری مهاجرنشین، یک مرکز استعماری مهاجرنشین غربی، فرصتی را برای درک اینکه استعمار مهاجرنشین چیست و چه کرده است، فراهم می‌کند. نکته سوم این است که بیداری با پیوند دادن نقاط در حال وقوع است. و ببینید، منظورم این است که ما فرصتی برای صحبت خواهیم داشت وقتی گزارش من منتشر شود.

اما من همچنان دو چیز را می‌گویم، در حالی که خودم را آماده می‌کنم تا از یافته‌های شش ماه تحقیق گذشته پرده بردارم که نسل‌کشی در غزه به دلیل سودآور بودن، برای بسیاری سودآور است، متوقف نشده است. این یک تجارت است. مردم سوءاستفاده کرده‌اند، منظورم این است که نهادهای شرکتی، از جمله کشورهای دوست فلسطین، وجود دارند که دهه‌هاست از اقتصاد اشغال کسب و کار کرده‌اند و سود برده‌اند، زیرا اسرائیل همیشه از زمین و منابع فلسطینی و زندگی فلسطینیان سوءاستفاده کرده است. اما منظورم این است که سودها ادامه یافته و حتی افزایش یافته است، زیرا اقتصاد اشغال به اقتصادی نسل‌کشی تبدیل شده است. و باز هم، مردم باید این را درک کنند زیرا فلسطینی‌ها به سادگی، و من می‌گویم به سادگی با درد فراوان، و منظورم بی‌احترامی به فلسطینی‌ها نیست، اما آنها این زمینه آموزشی بی‌حد و حصر را برای آزمایش فناوری‌ها، آزمایش سلاح‌ها، آزمایش تکنیک‌های نظارتی که اکنون علیه مردم در همه جا از جنوب جهان تا شمال جهان استفاده می‌شود، فراهم کرده‌اند.

به آنچه در ایالات متحده یا آلمان اتفاق می‌افتد نگاه کنید. ما جاسوسی می‌شویم. منظورم این است که به استفاده از پهپادها، بیومتریک‌ها نگاه کنید. همه اینها چیزهایی هستند که قبل از هر چیز روی فلسطینی‌ها تجربه شده‌اند. بنابراین من فکر می‌کنم این پیوند وجود دارد که سرمایه‌داری بی‌قید و بند و بی‌مرز، که سرمایه‌داری نژادی استعماری نیز برای فلسطینی‌ها بوده است، برای همه ما مضر است.

پس چگونه به این پاسخ دهیم؟ من یک جنبش می‌بینم، من یک انقلاب در حال شکل گیری می‌بینم، من آن را انقلاب هندوانه می‌نامم و آنجاست. جوانان، کارگران، یهودیان ضدصهیونیست یا یهودیانی هستند که خود را ضد صهیونیست نمی‌دانند، اما همچنان نمی‌خواهند هیچ ارتباطی با جنایات اسرائیل داشته باشند و نمی‌خواهند این جنایات به نام آنها باشد.

بنابراین این جنبش وجود دارد و در سطح کشورها، مثلاً گروه لاهه را می‌بینم که ائتلافی عمدتاً از کشورهای جنوب جهان است و نباید اینگونه باشد. بنابراین من از این کشورها حمایت کرده‌ام، از آنها حمایت کرده‌ام، آنها را تحسین کرده‌ام و از سایر کشورها از آسیا تا آفریقا و به ویژه غرب می‌خواهم که به گروه لاهه بپیوندند، گروهی که می‌گوید بیابید با برداشتن چند گام کوچک، چند گام حداقلی برای رعایت قوانین بین‌المللی شروع کنیم.

هیچ مصونیتی، هیچ بندری و هیچ سلاحی برای اسرائیل وجود ندارد. که واقعاً اساسی است، اما اینجا جایی است که ما هستیم. گام‌های کوچک.

کریس هجز

آیا می‌توانید در این گزارش که منتشر می‌شود، در مورد برخی از شرکت‌های جهانی که از نسل‌کشی سود می‌برند و نحوه سود بردن آنها از نسل‌کشی صحبت کنید؟

فرانچسکا آلبانیزی

من نمی‌توانم چیز زیادی به شما بگویم زیرا این گزارش هنوز در تحریم است. اما من تصمیم گرفتم حدود (50) نهاد شرکتی را فهرست کنم، از تولید کنندگان اسلحه گرفته تا شرکت‌های بزرگ فناوری، شرکت‌هایی که مصالح ساختمانی یا استخراج مصالح ساختمانی از سرزمین اشغالی فلسطین را فراهم می‌کنند، تا صنعت گردشگری، کالاها و خدمات، زنجیره تأمین.

و همچنین این‌ها دو بخش اصلی جایگزینی آوارگی فلسطینی‌ها هستند. و سپس شبکه‌ای از عوامل توانمند سازمانند بیمه‌گران، صندوق‌های بازنشستگی، صندوق‌های ثروت، بانک‌ها، دانشگاه‌ها، خیریه‌ها وجود دارد. این یک اکوسیستم است که این غیرقانونی بودن را حفظ می‌کند.

می‌دانید، بخش خصوصی تمایل دارد از بررسی دقیق فرار کند، آن‌ها بسیار باهوش هستند. و در واقع، بخش خصوصی از نظر تاریخی یا محرک استعمار مهاجران بوده است. به عنوان مثال، در طول دهه ۱۶۰۰، شرکت‌های هند را در نظر بگیرید. آن‌ها از هلند، بنادر هلند، برای رسیدن به هند غربی یا آسیای جنوب شرقی و استعمار آن، حرکت می‌کردند. منظورم این است که چرا؟ چرا؟ چرا؟ و این اتفاق افتاده است.

اما مواردی نیز وجود دارد که شرکت‌ها یا نهادهای خصوصی نه محرک، بلکه توانمند سازها بی بودند که ابزار و بودجه را برای شرکت‌های استعماری فراهم می‌کردند که سپس به آن‌ها سود می‌رساند. و به همین دلیل است که شرکت‌های بزرگ و منافع شرکت‌ها به شکل‌دهی قانون به گونه‌ای کمک کرده‌اند که از بررسی دقیق فرار کنند.

اینکه شرکت‌ها از نسل‌کشی‌ها سود برده‌اند چیز جدیدی نیست، اما به آنچه در طول هولوکاست اتفاق افتاد فکر کنید. محاکمات صنعتگران هولوکاست به درک چگونگی کسب و کار شرکت‌ها از فاجعه میلیون‌ها یهودی کمک کرد.

و دیدن اینکه برخی از شرکت‌هایی که در پرونده محاکمات صنعتگران هولوکاست مسئول شناخته شدند، هنوز در نسل‌کشی فلسطینی‌ها دخیل هستند، تکان‌دهنده است. و سپس تجربه آفریقای جنوبی پس از پایان کار کمیسیون حقیقت و آشتی وجود داشت. برخی از شرکت‌ها محکوم به پرداخت غرامت شدند. بنابراین لحظات تاریخی وجود داشته است که باعث شده است مقررات بیشتری برای شرکت‌ها وضع شود.

و به عنوان مثال، اصول راهنمای سازمان ملل که بررسی‌های لازم را برای شرکت‌ها الزامی می‌کند، نتیجه تجربه آفریقای جنوبی است. و با این حال، کافی نیست. قطعاً کافی نیست زیرا شرکت‌ها همچنان در مناطق خاکستری مسئولیت دولت فعالیت می‌کنند. بنابراین، برای مثال، من به ۴۸ کسب و کار اخطار دادم و پاسخ این بود که بله، اما تقصیر ما نیست، تقصیر اسرائیل است. بله، این وظیفه شما نیست که به ما بگویید چه باید بکنیم، این وظیفه ایالت‌ها است. بنابراین نه، متأسفم. امروز اشغال غیرقانونی است. اسرائیل اخطار گرفته است، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در حداقل سه پرونده به دلیل نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی مورد بررسی قرار گرفته است. و شما نمی‌توانید به طور معمول به کسب و کار خود ادامه دهید.

و اگر این کار را انجام دهید، باید با عدالت روبرو شوید. بنابراین این احتمالاً طوفانی است که من علیه آنها به راه می‌اندازم تا مطمئن شوم که جامعه مدنی و وکلا در هر کشوری که این کسب و کار در آن ثبت شده است، فعال هستند و همچنین مصرف‌کنندگان می‌دانند که می‌توانند رأی دهند، می‌توانند از ورشکستگی نجات یابند. آنها می‌توانند مطمئن شوند، به عنوان مثال، شرکت‌های گردشگری وجود دارند که املاک شهرک‌ها را مشاوره می‌دهند. شما باید ببینید، یا به عنوان مثال، مشاوران املاکی که محله‌های خوب انگلیسی زبان را در قلب یهودا و سامره می‌فروشند. بنابراین عادی سازی اشغال توسط یک گروه است و شما مجازات خواهید شد. شاید نه در دادگاه، اما مطمئناً وقتی بفهمند چه کار می‌کنید، موکلان زیادی را از دست خواهید داد.

کریس هجز

بیابید با صحبت در مورد نهادهای بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی و سازمان ملل متحد، بحث را به پایان برسانیم. آنها قطعاً پا پیش گذاشته‌اند و در مخالفت با نسل‌کشی

صحبت کرده‌اند، تلاش کرده‌اند اسرائیل را به خاطر نسل‌کشی پا سخگو کنند ، اما هیچ سازوکار اجرایی ندارند. شما چگونه به این سازمان‌های بین‌المللی و نقشی که در نسل‌کشی ایفا کرده‌اند، نگاه می‌کنید.

فرانچسکا آلبانیزی

ببینید، من کاملاً با این استدلال که هیچ مکانیسم اجرایی وجود ندارد، موافق نیستم. مکانیسم‌های اجرایی وجود دارد و این کشورهای عضو هستند. کشورهای عضو موظف به اجرای تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری هستند.

حتی شورای امنیت هم وجود دارد. شورای امنیت سال گذشته قطعنامه ای را تصویب کرد که دستور آتش‌بس در غزه را صادر کرد، که رعایت نشد. بنابراین این روزها هیچ اجرایی برای چیزی که تصور می‌شود برای محدود کردن مصونیت اسرائیل در نظر گرفته شده است، وجود ندارد.

و به نوعی، بله، من با آنچه قبلاً گفتید موافقم. اسرائیل تا حدودی مانند بخشی از استعمار شهرک‌نشینان غربی دیده می‌شود. اسرائیل به عنوان بخشی از رویارویی غرب با بقیه جهان دیده می‌شود، که رک و پوست‌کنده شرم‌آور است. ما نباید اینجا، هنوز اینجا، با این روش نژادی، با این نگاه نژادی، با این روش نژادپرستانه به یکدیگر باشیم.

ما عضوی از یک خانواده هستیم. این معنای انسانیت است. رنگ پوست شما مهم نیست، خدایی که می‌پرستید یا نمی‌پرستید مهم نیست، مهم نیست. این چیزی است که ما را انسان می‌کند و ما در میان تمام حیوانات و موجودات این دنیا بسیار بی‌رحم هستیم، زیرا واقعاً موانع زیادی را ایجاد کرده‌ایم و باید آنها را از بین ببریم.

حالا این فرصتی است، نمی‌دانم آیا به نسل‌کشی دیگری نیاز داریم یا نه، اما این نسل‌کشی چیز بیشتری را به راه می‌اندازد کریس. جنگ ایران را می‌بینی؟ جنگ علیه ایران؟ کاملاً قابل پیش‌بینی بود. کاملاً قابل پیش‌بینی بود زیرا اسرائیل دهه‌هاست که در منطقه جنگ به پا می‌کند. و عراق بود، سپس کشورهای دیگر، لیبی و سوریه نیز ویران شده‌اند. درست است، شما نمی‌توانید اسرائیل را برای همه چیز سرزنش کنید. خوب، اسرائیل مطمئناً از نابودی تمام دشمنان در منطقه سود برده است. و ایران، بمباران ایران مانند تغذیه یک دیو بوده است. این هدف بلندمدت چندین دولت اسرائیل بود و سرانجام اتفاق افتاد.

اسرائیلی‌ها از این [جنگ] چه چیزی به دست می‌آورند؟ از مرگ بی‌گناهان، چه ایرانی باشند چه اسرائیلی؟ به همین دلیل است که می‌گوییم این [جنگ] باید متوقف شود. و اجرای آن وجود دارد، اما با کشورهای عضو است. خوب، کشورهای عضو همچنان به تلاش برای حل این مشکل ادامه می‌دهند و انتظار دارند که مداخله، چه اتحادیه اروپا به عنوان یک کل و چه سازمان ملل متحد به عنوان یک کل، به صورت غیبی باشد. نه!

این کار با کشورهای عضو اصلی شروع می‌شود و به همین دلیل است که من بار دیگر گروه لاهه را بسیار تحسین می‌کنم زیرا آنها نه به عنوان یک سازمان منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای، بلکه به عنوان ائتلافی از کشورهای همفکر و اصولگرا عمل می‌کنند.

سطری چند در مورد کریس هجز

کریس هجز، رئیس سابق دفتر خاورمیانه نیویورک تایمز و برنده جایزه پولیتزر است. او که به زبان عربی صحبت می‌کند، هفت سال را صرف پوشش درگیری بین اسرائیل و فلسطینیان کرده است که بیشتر آن زمان را در غزه گذرانده است. نویسنده ۱۴ کتاب است که جدیدترین آنها «بزرگترین شر، جنگ» و «یک نسل‌کشی پیش‌بینی شده: گزارش بقا و مقاومت در فلسطین اشغالی» هستند.

----- **با احترام** «2025-07-02»